

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ

رساله جهت اخذ درجه دکتری در رشته تاریخ ایران اسلامی

عنوان:

مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد
درسی در عصر پهلوی اول

استادان راهنما

دکتر غلامرضا وطن‌دوست

دکتر سیمین فصیحی

استاد مشاور

دکتر منصوره اتحادیه

دانشجو

زهرا حامدی

تقدیم به:

دو خورشید تابناک زندگی‌ام پدر و
مادر بهتر از جانم که در مکتب آن‌ها
نخستین زمزمه‌های علم را آموختم.
همسر مهربانم که درس شکیبایی و صبوری
را از او فرا گرفتم و زمینه‌ی ادامه تحصیل را
فراهم کرد.
گل‌های همیشه بهار (فرزندان
دلبندم) علی و رها که در عین کوچکی با
همراهی و کنار آمدن با مشغله‌ی تحصیلی‌ام
صمیمانه و بزرگ منشانه، مشوق و دلگرم
کننده‌ام در انجام این پایان نامه بودند.

سپاسگزاری

سپاس بیکران بر یگانه‌ی مطلق و هستی بخش عالم که توفیق دانش‌اندوزی و پیمودن راه معرفت را به من ارزانی داشت. اکنون که به یاری و لطف خداوند مهربان، موفق به انجام این تکلیف شده‌ام، بر خود لازم می‌دانم از استادان فرهیخته‌ای که به یاری رهنمودهای آنان دشواری‌های پژوهش بر من آسان شد قدردانی نمایم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر غلامرضا وطن‌دوست، راهنمای فرهیخته که در تدوین رساله از هیچ گونه راهنمایی دریغ نورزیدند تقدیر و تشکر می‌کنم.

از سرکار خانم دکتر سیمین فصیحی که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشتند و با لطف و دانش خویش، سختی‌های این مسیر را بر من هموار کردند و دلسوزانه در تمامی مراحل پژوهش یاری نمودند خالصانه تشکر می‌نمایم.

از استاد فرزانه و بزرگوار سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه که مرا از دانش و رهنمودهای خود بهره‌مند کردند، کمال سپاس را دارم.

از استادان برجسته گروه تاریخ جناب آقای دکتر علی‌محمد ولوی، دکتر مهدی فرهانی-منفرد، دکتر امیرمحمد شیخ‌نوری که در محضر آن‌ها خوشه‌چینی کردم و بهره علمی بردم، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از مسوولان مراکز پژوهشی- کتابخانه‌ای نظیر کتابخانه میرزای شیرازی دانشگاه شیراز، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی و مرکز اسناد، کتابخانه احمدی شیراز، کتابخانه مرکزی دانشگاه الزهراء، کتابخانه و آرشیو کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، کتابخانه اداره آموزش و پرورش (پژوهشکده معلم) شیراز، به واسطه بذل توجه و قراردادن منابع به نگارنده سپاسگزاری می‌نمایم.

از دوستان گرانقدر سرکار خانم زهرا علیزاده، سرکار خانم الهام ملک‌زاده و سرکار خانم سهیلا ستوده بی‌نهایت سپاسگزارم و از خداوند بزرگ برای آنان سلامت و توفیق روزافزون دارم. بدون شک عدم حمایت آنان بر دشواری‌ها و صعوبت‌های پایان‌نامه می‌افزود. به مصداق حدیث شریف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» مراتب سپاس و امتنان خود را از آقای علی محمدنیاکان که با حوصله و پشتکاری درخور تحسین، این پایان‌نامه را ویرایش و آماده‌ی بهره‌برداری کرد، اعلام می‌دارم.

چکیده:

در رساله حاضر ضمن بررسی شاخصه‌های ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول که بر بنیان تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم (عرفی‌گرایی) و غرب‌گرایی استوار بود، تأثیر آن‌ها بر متون و مواد درسی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این رساله با رویکرد پژوهش‌های تاریخی و با بهره‌ای آزاد از نظریه لویی آلتوسر جامعه‌شناس فرانسوی و روش تحلیل گفتمان به تجزیه و تحلیل محتوای مطالب ارایه شده در خلال متن پرداخته است. به اعتقاد آلتوسر نهاد آموزش از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی است که حاکمیت‌ها آن را تحت تأثیر ویژگی‌های خود قرار می‌دهند. اصلی‌ترین مبحث این رساله شیوه بروز و ظهور بنیان‌های فکری یاد شده در متون و مواد درسی (در حوزه علوم انسانی) است. در این رساله به بررسی چگونگی تأثیر ایدئولوژی تمرکزگرا بر تدوین متون درسی بر تدوین متون درسی با تکیه بر زبان فارسی به عنوان زبان واحد پرداخته شده است. از دیگر مواردی که در این رساله مورد پژوهش قرار گرفته تأثیر ایدئولوژی‌هایی مانند ایدئولوژی ملی‌گرایانه، عرفی‌گرایانه و غرب‌گرایانه بر کتابهای درسی تاریخ، فارسی، جغرافیا و شرعیات در دو مقطع تحصیلی دبستان و دبیرستان است. آموزش زنان و گنجانیدن مواد درسی جدید نظیر پیشاهنگی و سرودهای مدارس با تأثیر پذیری از شرایط حاکمیت عرصه‌ی دیگری از مطالب این رساله است.

حاصل مطلب این است که ایدئولوژی ملی‌گرایانه (با وجوه باستان‌گرایی با تکیه بر نژاد آریا شاه‌پرستی، میهن‌محوری، ایران‌گرایی) و ایدئولوژی عرفی‌گرایانه و غرب‌گرایانه (مورد اخیر در سطحی محدودتر) متن‌های درسی به ویژه تاریخ و فارسی را تحت تأثیر قرار داد و شرایط اثرگذار حاکمیت موجب آفرینش مجدد متن‌ها و بار ایدئولوژیک یافتن آن‌ها شد و هرچه به پایان این دوره نزدیک می‌شود بر شدت این تأثیرگذاری‌ها افزوده شده و بدون شک حوزه علوم انسانی مناسب‌ترین بستر برای این تأثیرگذاری‌ها بود.

در مجموع محتوای کتاب‌های درسی که بر بنیاد ایدئولوژی حاکمیت پهلوی تدوین یافته بود در راستای توجیه اهداف حکومت و کسب اعتبار و مشروعیت مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

واژگان کلیدی: حاکمیت پهلوی اول، رضا شاه، ایدئولوژی، متون درسی، تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم (عرفی‌گرایی)، غرب‌گرایی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۲	مقدمه	۱-۱
۷	مساله پژوهش	۲-۱
۹	پرسش‌های پژوهش	۳-۱
۹	فرضیه‌های پژوهش	۴-۱
۹	اهمیت و ضرورت پژوهش	۵-۱
۱۰	روش پژوهش	۶-۱
۱۴	تعریف عملیاتی پژوهش	۷-۱
۱۶	پیشینه‌ی پژوهش	۸-۱
۱۹	معرفی و ارزیابی منابع پژوهش	۹-۱

فصل دوم: مبانی فکری و نظری حاکمیت پهلوی اول

۲۶	تمرکزگرایی	۱-۲
۲۷	دیدگاه‌های تمرکزگرایانه‌ی عصر پهلوی اول	۱-۱-۲
۲۹	نمودها و مظاهر دیدگاه‌های تمرکزگرایانه	۲-۱-۲
۳۲	زبان فارسی به عنوان ابزار تمرکزگرایی	۳-۱-۲
۳۸	ناسیونالیسم	۲-۲
۴۰	پیشینه دیدگاه‌های ناسیونالیستی پیش از سلطنت رضاشاه	۱-۲-۲
۴۷	دیدگاه‌های ناسیونالیستی در خلال سلطنت رضاشاه	۲-۲-۲
۵۳	نمودهای دیدگاه‌های ناسیونالیستی	۳-۲-۲
۵۷	سکولاریسم	۳-۲
۵۹	پیشینه دیدگاه‌های عرفی گرایانه	۱-۳-۲
۶۴	نمودها و مصادیق دیدگاه‌های عرفی گرایانه	۲-۳-۲
۶۹	غرب‌گرایی	۴-۲

- ۲-۴-۱. دیدگاه‌های غرب‌گرایانه اندیشه گران پس از جنگ جهانی اول ۷۳
- ۲-۴-۲. نمودها و مصادیق دیدگاه‌های غرب‌گرایانه عصر پهلوی اول ۷۸

فصل سوم: ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول و نظام آموزشی

- ۱-۳. پیشینه‌ی نظام آموزشی پیش از سلطنت رضاشاه (دوران قاجار) ۹۲
- ۱-۳-۱. انجمن معارف ۹۶
- ۱-۳-۲. مردم-دولت و آموزش نوین ۱۱۳
- ۱-۳-۳. مواد و متون درسی در دوران قاجار ۱۲۶
- ۲-۳. نظام آموزشی و گفتمان انتقادی اندیشه گران عصر پهلوی اول: تعلیمات ابتدایی
بستریشرفت ۱۲۹
- ۳-۳. تمرکزگرایی در نظام آموزشی ۱۳۵
- ۱-۳-۳-۱. ارکان سیاست‌گذار: ۱۳۵
- ۱-۳-۳-۱. شورای عالی معارف (فرهنگ) ۱۳۵
- ۱-۳-۳-۲. فرهنگستان ۱۳۷
- ۱-۳-۳-۳. سازمان پرورش افکار ۱۳۹
- ۲-۳-۳. ایدئولوژی تمرکزگرایانه حاکمیت در شیوه تدوین برنامه تحصیلی ۱۴۰
- ۱-۳-۳-۱. مدارس و مقاطع تحصیلی ۱۴۱
- ۲-۳-۳-۲. تمرکزگرایی در شیوه تدوین کتاب‌های درسی و برنامه تحصیلی ۱۴۵
- ۳-۳-۲-۳. یکسان‌سازی با زبان فارسی ۱۵۴
- ۴-۳. ایدئولوژی غرب‌گرایانه حاکمیت در اعزام محصل به خارج ۱۶۴
- ۵-۳. ایدئولوژی ملی‌گرایانه، عرفی‌گرایانه و غرب‌گرایانه حاکمیت پهلوی در
آموزش زنان ۱۶۸
- ۱-۵-۳. پیشینه‌ی تاریخی تلاش زنان برای تأسیس مدارس دخترانه و موانع آنان در
دوران قاجار ۱۶۸

پهلوی اول	۱۷۴
۱-۶-۳. پیشاهنگی	۱۹۰
۲-۶-۳. سرودهای مدارس	۱۹۳

فصل چهارم: ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول و متون درسی

۱-۴. متون درسی تاریخ	۱۹۸
۱-۱-۴. چگونگی تنظیم کتاب‌های تاریخ پیش از سلطنت رضاشاه	۱۹۸
۲-۱-۴. ویژگی‌های متون درسی تاریخ در عصر پهلوی اول: رابطه دانش و قدرت	۲۰۳
۳-۱-۴. بافت زبانی، بافت موقعیتی تأثیرگذار بر کتابهای درسی مقطع دبستان	۲۰۵
۴-۱-۴. بافت زبانی، بافت موقعیتی تأثیرگذار بر کتابهای درسی مقطع دبیرستان	۲۱۹
۵-۱-۴. سال ۱۳۱۷: سالی شاخص در تدوین متون درسی تاریخ	۲۲۴
۲-۴. فارسی نویسی درسی	۲۳۰
۱-۲-۴. تبلور بافت موقعیتی در کتاب‌های فارسی دبستان	۲۳۱
۲-۲-۴. کتاب‌های فارسی دبیرستان تا پیش از سال ۱۳۱۷	۲۳۴
۳-۲-۴. تبلور بافت موقعیتی در کتاب‌های فارسی دبیرستان از سال ۱۳۱۷ به بعد	۲۳۵
۳-۴. جغرافی نویسی درسی	۲۴۷
۱-۳-۴. جغرافی نویسی درسی پیش از سلطنت رضاشاه	۲۴۷
۲-۳-۴. جغرافی نویسی درسی در دوران رضاشاه	۲۵۰
۱-۲-۳-۴. مقطع دبستان	۲۵۱
۲-۲-۳-۴. مقطع دبیرستان	۲۵۴
۴-۴. شرعیات (تعلیمات دینی)	۲۵۷
۵-۴. نتیجه گیری	۲۶۲
۶-۴. کتابشناسی	۲۶۷
۱-۶-۴. منابع اصلی به زبان فارسی	۲۶۷

عنوان

صفحه

۲۶۷ کتاب‌ها
۲۷۳ نشریات
۲۸۳ اسناد منتشر نشده و منتشر شده
۲۸۴ سالنامه‌ها، گزارش‌ها و مصوبه‌ها
۲۸۶ ۲-۶-۴. منابع فرعی
۲۹۲ ۳-۶-۴. منابع به زبان لاتین
۲۹۴ پیوست‌ها
۳۰۱ Abstract

فصل اول: کلیات

۱-۱. مقدمه:

در قرن نوزدهم میلادی مناسبات سیاسی ایران با اروپا، زمینه‌ی آشنایی ایرانیان با اروپاییان را در ابعاد مختلف فراهم کرد. در این رهگذر، اندیشه‌گران و نخبگان ایرانی در مقایسه‌ی ایران با اروپا خواهان اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند. یکی از عرصه‌هایی که در این رویکرد مقایسه‌ای، مورد توجه نخبگان اصلاح طلب قرار گرفت، نظام آموزشی بود. با تأسیس «انجمن معارف» و سپس ایجاد مدارس به شیوه نوین و متفاوت با شیوه مکتب‌خانه‌ای در یک دهه پیش از مشروطیت گام‌هایی برای دگرگونی در ساختار آموزشی برداشته شد. پیروزی مشروطیت و فعالیت نخبگان در مجالس این عصر به ویژه مجلس شورای ملی دوره دوم (۱۳۲۷-۱۳۲۹هـ.ق) اهمیت و ضرورت آموزش نوین و مسؤولیت‌پذیری حکومت را در این حوزه بیشتر آشکار نمود. تصویب قانون اساسی معارف در ۱۳۲۹هـ.ق و به دنبال آن اجباری شدن تعلیم و تربیت نخستین گام‌های حکومت در راستای قانون‌مندسازی آموزش بود. هر چند حوادث سیاسی، اقتصادی پس از مجلس دوم و جنگ اول جهانی، اجرای مصوبات آموزشی را به تعویق انداخت، اما تشکیل کابینه و ثوق‌الدوله پس از این بحران‌ها، فرصت کوتاهی را برای اجرای برخی از مصوبات فراهم کرد. در سال ۱۲۹۹هـ.ش، پس از کودتای رضاخان مصوبات آموزشی بیش از گذشته مورد توجه دولت قرار گرفت. تشکیل شورای عالی معارف و افزایش مدارس، آخرین دستاورد عصر قاجار در روزهای پایانی خود بود.

رضاشاه پس از روی کار آمدن داعیه نوین‌سازی داشت از این رو، توجه به آموزش ملی - میهنی مورد توجه قرار گرفت و به عنوان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های حکومت و به عنوان ابزاری در راستای رسیدن به اهداف نوین‌سازی قرار گرفت و ماهیت نظام آموزشی تفاوت یافت. این تمایز برگرفته از ویژگی‌ها و مبانی ایدئولوژیک حاکمیت پهلوی و متضمن عناصری چون تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی بود، محور پایان‌نامه حاضر است و تأثیرات شاخصه‌های حاکمیت دوران پهلوی اول بر تألیفات درسی را در حوزه علوم انسانی که مهم‌ترین کارکرد نظام آموزشی محسوب می‌شود، بررسی می‌کند. نگارنده در این بررسی شیوه‌ی تدوین کتاب‌های درسی و محتوای متن‌ها را تابعی از شرایط سیاسی، اجتماعی این دوره به شمار آورده است.

ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰هـ.ش) با هدف نوین‌سازی و رواج اندیشه‌های نوگرایانه در جامعه عصر خویش، مبتنی بر تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی بود. هر کدام از این جریان‌ها مولفه‌هایی داشت. در دوره رضاشاه، ناسیونالیسم از مبانی تشکیل دهنده شالوده حاکمیت بود. ناسیونالیسم به لحاظ واژه‌ای، در برگرفته کلیه مواردی بود که

گروهی از مردم بر حقوق خود به مثابه یک گروه مستقل در برابر حقوق گروه مستقل دیگری تاکید می‌ورزند. بروز ناسیونالیسم که در دگرگونی‌ها و تحولات جوامع اروپایی ریشه داشت و تحت تأثیر زمینه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی اروپا صورت پذیرفته بود به سایر کشورها از جمله مناطق شرقی نیز سرایت کرد اما دریافت غرب از ناسیونالیسم و روندی که در آن جاطی نمود با دریافت شرق از این پدیده و نحوه‌ی ظهور آن متفاوت بود. ناسیونالیسم پدیده‌ای برخاسته از اروپای غربی است. در بررسی این پدیده می‌بایست محیط و شرایط برانگیزاننده آن مورد توجه قرار گیرد. (ماتیل، ۱۳۸۳: ۱۶۱) در حقیقت زایش ناسیونالیسم به مثابه‌ی پدیده‌ای جهانی-تاریخی در انگلستان در قرن شانزدهم ایجاد شد. تغییر و تحول انگلستان به دگرگونی جامعه این کشور انجامید. عامل برانگیزاننده آن جنگ گلها بود، که با صعود خانواده تئودور بر تخت پادشاهی انگلستان به پایان رسید. این جنگ اشرافیت سنتی انگلستان را عملاً به نابودی کشید و خلئی در سطح فوقانی سلسله مراتب اجتماعی پدید آورد و تحرک اجتماعی به سوی بالا را نه تنها لازم بلکه اجتناب‌ناپذیر کرد. (همان، ۱۶۴) در این زمان نوعی آگاهی اجتماعی تازه ایجاد شد که منبعث از واقعیت‌های اجتماعی بود و بتدریج واژه‌ی ملت به معنای نخبگان فرهنگی و سیاسی مرسوم شد. در ابتدا ملت مترادف مردم به کار نمی‌رفت و به موجودیت اجتماعی بالاتر از مردم اشاره داشت. اما طرز تلقی اشراف جدید که واژه‌ی مردم در مورد آنها صادق بود به دنبال زدودن این امر بودند این مسئله به تدریج به ابداعی انجامید و دو واژه به یکدیگر متصل و معادل تلقی شدند و اعضای جامعه انگلستان با یکدیگر برابر شدند به عبارت دیگر ملت یا مردم صاحب حق حاکمیت شناخته شدند. بدون تردید مفهوم ملت در معنای مدرن آن از انگلستان صادر شد. . باور بر این بود که در انگلستان این ملت، و نه پادشاه، است که مرجع عالی وفاداری و صاحب حق حاکمیت است، اقتدار پادشاه را مجلس عوام (پارلمان) کاملاً محدود می‌کرد. و از اوایل قرن هیجدهم مورد توجه نخبگان (اشراف و روشنفکران) فرانسه قرار گرفت. وقتی مفهوم ملت برای نخستین بار وارد فرانسه شد در معنایی مترادف با اشراف به کار می‌رفت. در قرن هیجدهم بتدریج گسترش یافت و با انقلاب کبیر جنبه اشرافی آن سلب گردید و تمامی مردم را شامل شد. (همان، ۱۶۹) در مجموع از سه نوع ناسیونالیسم نام برده شده است. نوع فردگرایانه-مدنی، جمع‌گرایانه-مدنی، و نوع جمع‌گرایانه-قومی. نوع اول عمدتاً انگلیس و ایالات متحده آمریکا را شامل می‌شود. نوع دوم فرانسه و نوع سوم آلمان. مبنای این تقسیم‌بندی تفاوت‌هایی نیست که این سه نوع ناسیونالیسم را به وجود می‌آورند. بلکه تفاوت‌های موجود در تصورات اولیه ملتی است که این تفاوتها را پدید می‌آورند. (همان، ج سوم: ۵۶۹). لازم به توضیح است که در تقسیم‌بندی از ناسیونالیسم برخی محققان معتقدند

دو نوع ناسیونالیسم وجود دارد. ناسیونالیسم های سیاسی در مقابل فرهنگی، ناسیونالیسم های غربی در مقابل شرقی، و اخیراً ناسیونالیسم های مدنی در مقابل قومی (مفهوم اولیه ناسیونالیسم فردگرایانه بود. به این مفهوم که افراد به این دلیل یک ملت را تشکیل می دادند که در عمل اعمال حاکمیت می کردند و از تحرک اجتماعی برخوردار بودند و همه ویژگی های جامعه از ماهیت فرد سرچشمه می گرفت. همان، ج دوم: ۵۶۹، ۵۷۱) ناسیونالیسم جمع گرا نیز به این مفهوم بود که جامعه خود نیز یک فرد تلقی شده، فردی که از لحاظ اخلاقی از افراد تشکیل دهنده آن جامعه برتر بوده است و اراده، مصالح و هدف خاص خود دارد که بر خواسته ها و آرمان های اعضای آن اولویت دارند و از آن ها مستقل اند. اراده و هدف ملت مستقیماً با اعضای آن معلوم نیست و لازم است که نخبگان با صلاحیت آن ها را برای مردم تفسیر کنند این نوع ناسیونالیسم خاص کشور فرانسه بوده است در حالیکه که ناسیونالیسم فردگرا در ابتدا کشور انگلیس و سپس ایالات متحده را شامل شد. ناسیونالیسم در سه بعد خود را نشان داد: بعد اول حاکمیت ملی است که از آن به حق تعیین سرنوشت تعبیر می شود؛ بعد دوم شناختن اراده ملت به عنوان یگانه منشأ قدرت دولت و برانداختن حکومت های مطلقه و تأسیس دموکراسی؛ بعد سوم نوع افراطی ناسیونالیسم است که تعصب در ملت پرستی است و تفوق نژادی اروپایی ها را نشان می دهد و به تعرض سیاسی- اقتصادی آنان انجامید.

ناسیونالیسم در ایران پدیده ای نبود که تنها تحت تأثیر غرب ایجاد شده باشد، بلکه از قبل زمینه هایی از آن در ذهن ایرانیان وجود داشته است. از قدیم الایام، افتخار به آریایی، غرور نژادی، زبان مشترک و دوست داشتن آب و خاک در ایران همواره وجود داشت؛ اما این تصورات در اثر برخورد با دنیای غرب، جریانی را به وجود آورد که عمدتاً در جهت مبارزه با استبداد و استعمار خودنمایی کرد. ناسیونالیسم عصر پهلوی اول که بر آن ناسیونالیسم ایرانی نام نهاده اند با حمایت دولت و هدایت نخبگان بروز یافت. (همان، ج سوم: ۱۰۰۵) این نوع ناسیونالیسم با آرمان ها و ارزش های ناسیونالیسم غربی سنخیتی نداشت؛ چرا که در آن سخن از حقوق فردی نبود؛ بلکه تنها بر تکالیف ملی و میهنی تأکید می شد و بدین ترتیب این جریان در عناصر میهن دوستی، شاه پرستی و باستان گرایی استحاله شد.

از جمله شاخصه های ایدئولوژی ناسیونالیسم در دوره رضاشاه (که در این پایان نامه مورد توجه نگارنده قرار گرفته است) میهن دوستی، شاه پرستی، توجه به نژاد آریا و گذشته گرایی بود. در این دوره میهن دوستی در پیوند نزدیک با دیگر شاخصه های ذکر شده قرار گرفت و در شعار

خدا، شاه، میهن تبلور یافت و در متن کتاب‌های درسی به ویژه درس تاریخ، خود را نشان داد. به گونه‌ای که افزایش حجم درس تاریخ ایران باستان، از مصادیق بارز این جریان است. سکولاریسم از دیگر شاخصه‌های ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول بود. در قرن هجده این پدیده پس از انقلاب صنعتی در اروپا بروز یافت و منظور از آن تفکیک کامل دین از سیاست بود. این مفهوم به جداسازی سیاست و کلیه امور اجتماعی از سیطره‌ی اندیشه و باورهای دینی نظر داشت. آنچه حاکمیت پهلوی اول از سکولاریسم در نظر داشت این بود که باورها و ارزش‌های دینی در بخش‌های مختلف اجتماعی، نقش تعیین‌کننده نداشته باشد. کاهش نقش روحانیت در عرصه‌هایی چون قضاوت و آموزش و سپردن آن‌ها به نیروهای تحصیلکرده جدید (که برخی از آنان تربیت یافتگان نهاد آموزشی همان عصر بودند) از جمله اقداماتی بود که در این راستا صورت پذیرفت.

جریان سکولاریزه کردن، بر متن کتاب‌های درسی تأثیر مستقیم داشت. کمرنگ کردن دین از طریق کاهش حجم دروسی نظیر تعلیمات دینی در مقاطع مختلف تحصیلی و اضافه نمودن متن‌های درسی غیر دینی نظیر پیشاهنگی از جمله راهبردهایی بودند که مورد استفاده قرار گرفت. گرایش به اندیشه‌های غرب، تقلید آگاهانه از الگوهای غربی و اهمیت دادن به دانش نوین آنان، از دیگر شاخصه‌های حاکمیت پهلوی اول بود. کتاب‌های درسی تحت تأثیر اندیشه غرب-گرایی در دوره پهلوی مملو از شیوه‌هایی بود که سبک نوین زندگی اروپایی را تبلیغ می‌کرد. تمرکزگرایی در عرف سیاسی ایجاد یک دولت متمرکز و به دنبال آن دولت‌های مدرن را در پی دارد. از این رو، منظور حاکمیت پهلوی اول از تمرکزگرایی، یکسان‌سازی و ایجاد وحدت ملی بود. این رویکرد در آموزش و به ویژه متن‌ها و مواد درسی نهادینه شد. تمرکزگرایی دوره‌ی رضاشاه به ایجاد یک سیستم سیاسی واحد و رسمیت بلامنازع یک زبان واحد (فارسی) در تمامی نقاط ایران و حذف زبان‌های دیگر و تدوین کتاب‌های درسی معطوف بود.

سؤال اصلی نگارنده این است که مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول شامل تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی چه تأثیری بر شیوه تدوین و محتوای متن‌های درسی (در حوزه علوم انسانی) گذاشته است؟ از این رو، این پایان‌نامه با هدف یافتن پاسخ سؤال مذکور، در چهار فصل تنظیم شده است.

فصل اول، مساله پژوهش، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، تعریف عملیاتی، روش و پیشینه پژوهش و معرفی و ارزیابی منابع پژوهش را دربر می‌گیرد.

فصل دوم، به مبانی فکری و نظری ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول اختصاص دارد. ارایه تعاریفی از شاخصه‌ها، بنیان‌های فکری و روشن ساختن دیدگاه‌های اندیشه‌گران و بیان مظاهر و مصادیق آن در دو حوزه‌ی نظر و عمل از مباحث این فصل به شمار می‌آید.

در فصل سوم، ضمن اشاره به پیشینه‌ی تاریخی نظام آموزشی، در دوره‌ی قاجار، به بیان تأثیر ایدئولوژی حاکمیت پهلوی بر نظام آموزشی با طرح گفتمان انتقادی آموزشی اندیشه‌گران این عصر پرداخته است. از دیگر مباحث این فصل چگونگی تأثیر ارکان سیاست‌گذار نظیر شورای عالی معارف (فرهنگک)، فرهنگستان و سازمان پرورش افکار در برنامه‌ریزی‌های درسی است. تأثیر ایدئولوژی تمرکزگرایانه بر شیوه‌ی تدوین کتاب‌های درسی و ترویج زبان فارسی به عنوان زبان واحد در تمامی سطوح آموزشی و در بین تمامی مدارس حتی مدارس میسیونری، اقلیت و مناطق مرزی از مقوله‌های دیگر این مبحث هستند. اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور و آموزش زنان به عنوان شاخصه‌ای از ایدئولوژی ملی‌گرایانه، عرفی‌گرایانه و غرب‌گرایانه حاکمیت مطالب دیگر این فصل است.

مباحث فصل چهارم به ارایه نمودهای ایدئولوژی تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب‌گرایی (البته در شکل محدودتر) از کتاب‌های درسی تاریخ، فارسی، جغرافی و شرعیات پرداخته است. با استفاده از این شواهد، تأثیرپذیری متن کتاب‌های درسی از ایدئولوژی حاکمیت، مورد تحلیل قرار گرفته است.

در این پژوهش توجه نگارنده به بررسی کتاب‌های درسی دو مقطع تحصیلی دبستان و دبیرستان معطوف شده است. از آنجا که در عصر پهلوی اول، مقطع ابتدایی (دبستان) شش ساله بوده و مقطع دبیرستان دو بخش سه ساله را در بر می‌گرفت، در این پژوهش مقطع ابتدایی و سه ساله اول دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است. سه ساله دوم به دلیل کمبود منابع و عدم دسترسی به آن‌ها و از همه مهم‌تر عدم ارتباط مطالب با ایران مورد توجه قرار نگرفته است. (این مورد (عدم ارتباط مطالب با ایران) در کتاب‌های جغرافیایی به مراتب بیشتر مشاهده شده است.) همچنین در این پژوهش پنجاه کتاب درسی مورد بررسی قرار گرفته است که تقریباً نیمی از آن کتاب‌های تاریخی است.

شایان توجه است که این پژوهش با دشواری‌های فراوان و تنگناهای بی‌شمار انجام پذیرفت. سکونت در شهرستان و عدم دسترسی به منابعی که در مرکز وجود داشتند، بر مشکلات کار افزوده بود، ولی چون هدف ارایه‌ی پروژه بود، انگیزه‌ی انجام دادن پژوهش مشکلات را از پیش روی برداشت و خداوند یاری کرد این مجموعه تدوین شود.

۱-۲. مساله پژوهش:

نهاد آموزش یکی از با اهمیت ترین ارکان هر جامعه قلمداد می شود. این نهاد نقش به سزایی در توسعه و پیشرفت هر جامعه ایفا می کند و ضمن تاثیر گذاری بر نهادهایی دیگر از جمله اقتصاد و سیاست، از آن ها تأثیر می پذیرد. این نهاد در انتقال و حفظ ارزش های اجتماعی، گسترش دانش و فنون، انتقال و حفظ میراث فرهنگی پیشینیان و تربیت نسل ها در تمامی جوامع نقش به سزایی دارد. تدوین برنامه آموزشی و تعیین محتوای آموزشی از طریق تدوین متن کتاب های درسی مستقیماً بر مخاطبان تأثیر می گذارد و افکار آنان را شکل می دهد. مواد درسی بنا به ویژگی های هر نظام، متفاوت و نحوه ی تدوین آن نیز بر حسب شرایط زمانی و مکانی متفاوت است. در تمامی جوامع میان نهاد آموزش و حاکمیت رابطه ای تعاملی برقرار است و به دلیل وجود این ارتباط، حاکمیت در جهت پیشبرد مقاصد خود و تربیت نسلی مطابق با ایده ها و اهداف سیاسی اش تلاش می کند. به همین منظور، در بررسی نهاد آموزش نخست باید ایدئولوژی اجتماعی حاکم بر جامعه و شیوه های اعمال اقتدار آن، مورد مطالعه قرار گیرد. به این دلیل، که هدف های آموزشی جوامع مختلف بر اساس اهداف و ایدئولوژی حاکمیت استوار شده است. از این رو، اساس نهاد آموزش به عنوان ابزاری در راستای اجرای اهداف حاکمیت در می آید.

واقعیت امر این است که همه ی دولت ها اعم از متمرکز یا دموکرات به صورتی اجتناب ناپذیر ناگزیر از مشروعیت بخشیدن به موجودیت و اقتدار و نیز حقانیت بخشیدن به نظام سیاسی خود هستند. تحقق این خواسته ها بیش از آنکه در گرو اعمال قدرت نظامی باشد بسته به ایجاد یک ایدئولوژی مطلوب و ترویج آن در ذهن حکومت شونده گان است. در جوامع امروزی تشکیلات آموزشی با سازمان یافتگی پیچیده خود کارآمدترین ابزار برای نهادینه کردن ایدئولوژی بر اذهان مردم است.

در این پژوهش، عصر پهلوی اول (بین سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هـ.ش) مورد مطالعه قرار گرفته است. حاکمیت این عصر، دارای ویژگی ها و ایدئولوژی خاصی بوده که در بستر تاریخی خود اهمیت دارد و نسبت به عصر قبل از خود، نیز دارای تفاوت های فاحشی است.

حاکمیت پهلوی اول به لحاظ ابعاد آموزشی تا حدودی وامدار دوره ی قبل از خود (قاجاریه) بود. همان گونه که می دانیم ایران در عصر قاجار از تحولات اروپا بی نصیب نماند و شروع آموزش نوین با تأثیر پذیری از غرب به عصر مظفرالدین شاه باز می گردد؛ اما با پیروزی مشروطیت دولت آموزش نوین را به رسمیت شناخت و مسؤولیت آن را به عهده گرفت و بدان جنبه ی قانونی داد. متن کتاب ها و مواد درسی به تدریج از تنوع موضوعی و در عین حال از همسویی فکری برخوردار

شدند. در این عصر، آموزش تحت تاثیر فضای سیاسی، اجتماعی در فراز و نشیب توجه و بی توجهی قرار گرفت. با روی کار آمدن رضاشاه آموزش به عنوان یکی از کانون‌های توجه، موقعیتی ویژه یافت و بر اساس ویژگی‌های این نظام، ضمن توسعه و گسترش، در راستای اهداف و ساختار سیاسی آن سمت و سو یافت.

حاکمیت پهلوی اول از بنیان‌های فکری یادشده در راستای حفظ نظام خود، با وارد کردن ایدئولوژی‌های پیش ساخته در متن‌ها و مواد درسی بهره برد. بدون شک، تربیت فکر نسلی که در عصر پهلوی مسئولیت دیوانسالاری را به عهده می گرفت، می‌بایست با ایده و نظریات حاکمیت مطابقت داشته باشد.

آنچه ذهن نگارنده را به خود مشغول کرده، این است که چه شواهدی را می‌توان یافت که عصر پهلوی اول با استفاده از ایدئولوژی حاکمیت به نفع خود در کتاب‌های درسی بهره برده باشد؟ آیا این شواهد کافی و وافیه بوده‌اند؟ سؤال دیگری نیز مطرح است که تا چه اندازه کتاب‌های درسی مبین ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول بوده‌اند و به این ایدئولوژی یاری رسانده‌اند؟

با توجه به اینکه عناصر تشکیل دهنده‌ی ایدئولوژی حاکمیت تمرکزگرایی، ناسیونالیسم، سکولاریسم و غرب گرایی بود، آیا نظام آموزشی از طریق تدوین متن‌های درسی در حوزه علوم انسانی آن اندازه توانا بوده است که شاخصه‌ها را ترویج دهد و تأثیرگذار باشد؟ کتاب‌های درسی تاریخ، فارسی، جغرافی و شرعیات تا چه حد مصادیق و مظاهر شاخصه‌های حاکمیت را نشان داده‌اند و اصولاً طراحی‌های نظام آموزشی با خطوط ایدئولوژی حاکمیت این عصر همسویی داشته است؟ شواهد تاریخی تا چه حد در انعکاس آن ایدئولوژی‌ها یاری نموده است؟

بدون شک، تمامی این موارد نیاز به بررسی و پژوهش دارد و بن مایه‌ی فکری این رساله پژوهش درباره‌ی این مساله است که کتاب‌های درسی می‌تواند مصداق و نمونه‌ی مناسبی برای نشان دادن این تأثیر باشد. از این رو، دغدغه نگارنده بررسی متن کتاب‌های درسی نظیر تاریخ، فارسی، جغرافی و شرعیات است که محور اصلی جستجوی تحقیق قرار گرفته‌اند.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش:

۱- مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول چه تأثیری بر شکل‌گیری و شیوه‌ی تدوین متن‌های

درسی داشته است؟

۲- مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول چه تأثیری بر مضامین و محتوای فرهنگ ساز متن‌های درسی داشته است؟

۱-۴. فرضیه‌های پژوهش:

۱- از میان مبانی ایدئولوژی حاکمیت پهلوی اول، تمرکزگرایی در شکل‌گیری و شیوه تدوین متن‌های درسی تأثیر گذاشت و به تسلط آمرانه مرکز در شکل‌دهی نظامی واحد و زبانی واحد برای تدوین کتاب‌های درسی منجر شد.

۱-۲- ایدئولوژی ناسیونالیستی حاکمیت پهلوی اول در وجوه ایران‌گرایی و شاه‌دوستی در متن‌های درسی بازتاب یافت.

۲-۲- توجه ویژه حاکمیت پهلوی اول به رواج اندیشه‌های سکولار، به غیردینی شدن متن‌های درسی انجامید.

۳-۲- غرب‌گرایی حاکمیت پهلوی اول به تبلیغ دانش و الگوهای نوین غربی در متن‌های درسی انجامید.

۱-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش:

باتوجه به اینکه تا کنون روی متن‌های درسی متأثر از حاکمیت پهلوی اول به طور مشخص مشخص پژوهشی صورت نگرفته است، خلأ آن به خوبی مشهود است و پرداختن به آن ضروری به نظر می‌رسد. اهمیت این پژوهش به دلیل آرایه‌ی پژوهشی است جامع و عمیق از متن‌ها و مواد درسی و نقشی که ایدئولوژی حاکمیت دوره‌ی پهلوی در تدوین این متن‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی داشته است. از دیگر اهداف این پژوهش، شناسایی مصادیقی از تأثیرگذاری و مشخص کردن شیوه‌های القای شاخصه‌های ایدئولوژی حاکمیت عهد پهلوی اول، در محتوای متن‌ها و مواد درسی است. بدون شک با بهره‌گیری از این نوشته به درک کامل‌تری از پروژه‌ی متجدد رضاشاه نائل می‌شویم.

۱-۶. روش پژوهش:

تدوین این رساله با رویکرد پژوهش‌های تاریخی صورت پذیرفته است. به همین منظور در نخستین گام منابع شناسایی گردید و در طی مراحل مبتنی بر اصول تحقیق مطالب مورد نیاز جمع-

آوری شده است. در این راستا، نگارنده مبنای استخراج مصادیق خود را شاخصه‌های عصر پهلوی اول قرار داده است و این شاخصه‌ها در اصلی‌ترین منابع این پژوهش یعنی کتاب‌های درسی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی هم به محتوای متن‌های درسی و هم به شرایطی که به لحاظ فکری، سیاسی و اجتماعی بر نگارش متن‌ها تأثیرگذار بوده‌اند، توجه شده است. در این پژوهش تجزیه و تحلیل‌ها با بهره‌ای آزاد از نظریات آلتوسر جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۱۸-۱۹۹۰م) صورت پذیرفته است^۱ و از روش تحلیل انتقادی گفتمان به واسطه واژگان به کار رفته در متن‌ها و آفرینش فرهنگی خاص با الهامی آزاد از آن روش انجام گرفته است. لازم به ذکر است تمامی تحلیل‌ها از نظریات فوق نبوده است؛ اما این نظریات نگارنده را یاری کرده‌اند تا فرضیه‌های خود را اثبات و تحلیل نماید و به هیچ روی قصد نداشته نقطه اتکال خود را نظریه‌پردازی فوق قرار دهد.

آلتوسر کتاب مشهوری با عنوان *ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی*

Louis Althusser, (1972), *Ideology and Ideological State Apparatus*, London: penguin)

(تحریر کرده است. این کتاب راهگشای بحث‌های نظری و جدلی فراوان در خصوص مفهوم ایدئولوژی، نقش، جایگاه و کاربردهای سیاسی آن برای محققان و نظریه پردازان دیگر شده است. نگارنده نیز، از این کتاب در تحلیل مربوط به پژوهش بهره برده است.

پژوهش انتقادی آلتوسر درباره‌ی ایدئولوژی و راهکارهایی است که در خصوص درک ایدئولوژی‌های مختلف اعتقادی تأثیرگذار بر اندیشه و عمل افراد مطرح می‌شود. نظریه آلتوسر متأثر از تحولات سیاسی، اجتماعی اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ بود که در فرانسه و سپس در سایر بخش‌های اروپا رخ نمود. این تحولات در نحوه‌ی نگرش نظریه پردازان در خصوص چگونگی پیدایش و شکل‌گیری «معانی» اثر گذاشت و به صورت آثار متعددی در قالب گفتمان پدیدار شد. (مک دائل، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۷).

از مهم‌ترین مباحث این کتاب ارایه فهرستی از دستگاه‌های موجود در یک اجتماع است که البته وی دو کشور فرانسه و انگلیس را محور پژوهش خود قرار داده است. این دستگاه‌ها عبارتند از: دستگاه‌های آموزش و پرورش، دین، خانواده، حقوق (قانون)، نظام سیاست حزبی، اتحادیه‌های کارگری، ارتباطات. (همانجا؛ همچنین بنگرید به: Lernert, Ibid: 318) دستگاه‌های مذکور، دولتی

^۱ - لویی آلتوسر در الجزیره به دنیا آمد. مدتی در زندان نازی‌ها بود. بعد از جنگ جهانی دوم وارد حزب کمونیست فرانسه شد و در پاریس در مدرسه اکونومال سوپریور مشغول تدریس فلسفه شد. کتاب مشهور خود را در دهه ۱۹۶۰ نوشت. این نوشته در شکل دهی به فرهنگ عمومی نقش مؤثری بازی کرد. بنگرید به: